

پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی

علمی - پژوهشی

شماره ۱۳

هزار و سیصد و نود و هشت - نیمسال اول (دوفصلنامه)

- ۵ • اتحادیه اروپایی و دیوان بین‌المللی کیفری: همکاری و حمایت نهادین
دکتر سید قاسم زمانی - دکتر اسماعیل یعقوبی
- ۳۳ • قلمرو میانجیگری کیفری در انواع جرایم در حقوق موضوعه ایران
دکتر حسین غلامی دون - دکتر بدر سودانی سادری
- ۶۱ • تخفیف مجازات در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲
احمدرضا کوچکی - دکتر شهرام ابراهیمی
- ۸۱ • بررسی جرم‌شناختی عوامل بین‌المللی مؤثر بر ارتکاب جنایات علیه بشریت
دکتر سمیرا گل‌خندان
- ۱۰۹ • پیامدهای سیاست کیفری عوام‌گرا در جرایم جنسی علیه اطفال و نوجوانان
دکتر پریمه طاهری شاد - دکتر هوشنگ شامبیاتی
- ۱۴۲ • درآمدی بر «حقوق بیمه جنایی» در راستای «سیاست جنایی بیمه‌مدار»
دکتر مهرداد رایجیان اصلی - نعیم سهامی
- ۱۸۱ • تقابل یا تعامل قوانین کیفری دولت خارجی با حقوق بزه‌دیده؛ در پرتو اصل شناسایی متقابل در حقوق کیفری اتحادیه اروپا
دکتر جواد صالحی
- ۲۰۱ • اصل شناسایی متقابل آراء و تصمیمات قضایی در حقوق کیفری اتحادیه اروپا با نگاهی به اجرای آرای کیفری و قرار جلب اروپایی
دکتر بهزاد رضوی فرد - محمد فرجی





http://jcl.ac.ir/article_92229.html

بررسی جرم‌شناختی عوامل بین‌المللی مؤثر بر ارتکاب جنایات علیه بشریت

دکتر سمیرا گل‌خندان*

چکیده:

جنایات علیه بشریت اعمالی خطرناک و غیرانسانی هستند که به‌عنوان بخشی از یک تهاجم گسترده یا سازمان‌یافته، علیه جمعیت غیرنظامی ارتکاب می‌یابند. به لحاظ پیامدهای ناگوار این جنایات شناخت علل و عوامل ارتکاب آنها ضروری می‌باشد زیرا بدون فهم علل و عوامل ارتکاب چنین جنایاتی و متعاقب آن پیشگیری مؤثر، تکرار آنها احتمالاً در آینده افزایش می‌یابد. به این ترتیب بررسی علل و عوامل ارتکاب جنایات علیه بشریت می‌تواند کمک مؤثری برای عدالت کیفری در مقابله آگاهانه با آنها و نیز دستیابی به یک سیاست جنایی مؤثر در پیشگیری از این‌گونه جنایات باشد. بر همین اساس در این مقاله عوامل بین‌المللی مؤثر بر ارتکاب جنایات علیه بشریت مورد بررسی قرار گرفته است. از عوامل بین‌المللی، بررسی نقش سازمان‌های بین‌المللی و دولت‌های خارجی در پدیدآیی این جنایات است که به آن پرداخته شده است.

کلیدواژه‌ها:

جنایات علیه بشریت، عوامل جرم‌شناختی، جرم‌شناسی، پیشگیری از جرم، عدالت بین‌المللی.

مجله پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، شماره ۱۳، نیمسال اول ۱۳۹۸
صفحه ۸۱-۱۰۷، تاریخ وصول: ۱۳۹۶/۱۰/۱۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۰۷

* استادیار رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمین، مرکزی، ایران
Email: s.golkhandan@gmail.com

مقدمه

یکی از انواع جرایم مهم بین‌المللی، جنایات علیه بشریت است. جنایت علیه بشریت به قدمت خود بشریت است، به‌گونه‌ای که بنابر یک روایت، اولین بار مرگ در جهان به‌صورت قتل پدیدار شد؛ قابل، هابیل را به قتل رساند و به‌این ترتیب در سراسر تاریخ بشر، قتل و کشتار در همه‌جا وجود داشته است.^۱ هرچند واژه جنایات علیه بشریت به‌طور جسته‌و‌گریخته از قرن‌ها پیش مورد استفاده قرار گرفته است، ولی در شکل فعلی آن در سال ۱۹۴۸ به‌کار رفت. در آن سال، سه قدرت بزرگ یعنی انگلستان، روسیه و فرانسه در اعلامیه مشترکی در ۲۸ می، قتل عام ارامنه توسط دولت عثمانی در ترکیه را جنایت علیه بشریت و تمدن نامیده و مرتکبان آن را مسئول دانستند.^۲ پس از جنگ جهانی دوم، این جنایات در ماده (c) ۶ منشور محکمه نورنبرگ، ماده (c) ۵ منشور توکیو و سپس در ماده ۵ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق، ماده ۳ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا و در نهایت در ماده ۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی به‌عنوان جنایات قابل تعقیب مطرح و تعریف شدند.^۳ به‌این ترتیب می‌توان گفت جنایات علیه بشریت صورت‌های فوق‌العاده خشونت جمعی هستند که آثار و عواقب آن از مرزهای بین‌المللی فراتر رفته و وخامت و وحشیگری ناشی از آن محدوده‌های قابل تحمل تمدن امروزی را درمی‌نوردد.^۴ بر همین اساس مورد توجه پژوهشگران

1. James Waller, *The Ordinarity Of Extraordinary Evil: The Making of Perpetrators of Genocide and Mass Killing, Collective Violence and International Criminal Justice, an Interdisciplinary Approach*, ed. Alette Smeulers (Antwerp: Oxford, Portland, 2010), 19.

۲. حسین میرمحمدصادقی، *دادگاه کیفری بین‌المللی* (تهران: نشر دادگستر، ۱۳۹۳)، ۱۰۴.

۳. ماده ۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی مقرر می‌نماید: «منظور از جنایات علیه بشریت در این اساسنامه هریک از اعمال مشروحه ذیل است، هنگامی که در چهارچوب یک تهاجم گسترده یا سازمان‌یافته بر ضد هر جمعیت غیرنظامی و با علم به آن تهاجم ارتکاب می‌گردد:

(الف) قتل عمد؛ (ب) نابودسازی؛ (ج) برده‌گیری؛ (د) اخراج یا انتقال اجباری جمعیت؛ (ه) حبس کردن یا ایجاد محرومیت شدید دیگر از آزادی جسمانی که برخلاف قواعد اساسی حقوق بین‌الملل ایجاد شود؛ (ز) تجاوز جنسی، برده‌گیری جنسی، فاحشگی اجباری، حاملگی اجباری، عقیم‌سازی اجباری یا هر شکل دیگری خشونت جنسی همسنگ با این موارد؛ (ح) آزار مداوم هر گروه یا مجموعه مشخصی به علل سیاسی، نژادی، ملی، قومی، فرهنگی، مذهبی و جنسی به‌معنای مذکور در بند ۳ یا بر اساس سایر معیارهایی که بالاتفاق در حقوق بین‌الملل غیرمجاز شناخته شده است در ارتباط با هر عملی که در این بند به آن اشاره شده یا هر جرمی که رسیدگی به آن در صلاحیت دیوان است؛ (ط) ناپدید کردن اجباری اشخاص؛ (ی) جرم تبعیض نژادی؛ (ک) اعمال غیرانسانی مشابه دیگری که عامداً به‌قصد ایجاد رنج عظیم یا صدمه شدید به جسم یا تمامیت جسمی یا روحی صورت پذیرد.»

۴. کریانگ ساک کیتی شیایزری، *حقوق بین‌المللی کیفری*، ترجمه بهنام یوسفیان و محمد اسماعیلی (تهران:

در حوزه‌های مختلف قرار گرفته‌اند. یکی از این حوزه‌های بااهمیت در مطالعه جنایات علیه بشریت، حوزه جرم‌شناسی می‌باشد که با بررسی علل و ریشه‌های چنین جنایاتی می‌تواند راهکارهایی را در جهت مقابله آگاهانه با آنها ارائه دهد. اهمیت و ضرورت مطالعه جرم‌شناسی جنایات علیه بشریت و شناخت عوامل و بسترهایی که در ارتکاب این جنایات نقش دارند به‌ویژه باتوجه‌به این حقیقت آشکارتر می‌شود که تنها در قرن گذشته یعنی قرن بیستم که لقب «عصر نسل‌زدایی» را گرفته، حدود شصت میلیون زن، مرد و کودک، قربانی کشتارهای جمعی و نسل‌زدایی بوده‌اند.^۵ در قرن حاضر نیز ارتکاب این جنایات همچنان انسان‌های زیادی را قربانی نموده و می‌کند از جمله موجی از قتل‌عام‌ها در ماه‌های اولیه سال ۲۰۰۲ مسلمانان در ایالت گجرات هند را مورد هدف قرار داد، در همین سال در دارفور سودان، دست‌کم سیصد هزار نفر در نتیجه یک عملیات خشونت‌آمیز با حمایت دولت سودان کشته شدند. در پایان سال ۲۰۰۳ سربازان دولت اتیوپی و شبه‌نظامیان محلی بیش از چهارصد نفر از قبیله آنواک در منطقه گامبلا را قتل‌عام کردند، شبه‌نظامیان داعش از سال ۲۰۱۰ تاکنون هزاران نفر از مردم سوریه را قتل‌عام و میلیون‌ها نفر را آواره کرده‌اند. در عراق، میانمار، نیجریه، بحرین و یمن هزاران نفر از مردم بی‌گناه کشته و آواره شده‌اند. لذا بر اساس چنین ضرورتی، این مقاله به بررسی جرم‌شناختی عوامل بین‌المللی جنایات علیه بشریت می‌پردازد. به‌عبارت‌دیگر در مطالعه جرم‌شناختی جنایات علیه بشریت دو دسته از عوامل می‌توانند مورد بررسی قرار گیرند؛ یک دسته عوامل داخلی که در چهارچوب مرزهای ملی یک کشور بوده و در ارتکاب این جنایات نقش دارند مانند ساختارهای فرهنگی کشور، شرایط سخت زندگی، شکل حکومت، رسانه و غیره؛ اما عوامل بین‌المللی عواملی هستند فراملی، خارج از مرزهای یک کشور که در روابط میان کشورها با یکدیگر و با سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی موضوعیت داشته و می‌توانند در ارتکاب این جنایات در کشور مزبور نقش داشته باشند. به این ترتیب کشورهای خارجی و سازمان‌های بین‌المللی از جمله عوامل بین‌المللی هستند که در این مقاله به بررسی نقش آنها در وقوع جنایات علیه بشریت پرداخته شده است.

اما نکته‌ای که باید به آن اشاره نمود این است که از آنجاکه نظریه و آرای حقوقی عموماً

نسل‌زدایی را ذاتاً مهم‌ترین شکل جنایات علیه بشریت تلقی می‌کند،^۶ ما نیز در بررسی جرم‌شناختی عوامل بین‌المللی جنایات علیه بشریت، نسل‌زدایی را هم به‌عنوان جدی‌ترین شکل این جنایات موردتوجه قرار داده‌ایم.

۱- دولت‌های خارجی

یکی از عوامل مؤثر در وقوع جنایات علیه بشریت، دولت‌های خارجی می‌باشد که نقش آنها در ارتکاب جنایات علیه بشریت ممکن است زمینه‌ای یا علی باشد که هریک را موردبررسی قرار می‌دهیم.

۱-۱- نقش زمینه‌ای

نقش زمینه‌ای به‌معنای فراهم آوردن مقدمات و بستری است که در گذر زمان و در پیوند با وقایع دیگر منجر به وقوع جنایات علیه بشریت می‌شود. به‌عبارت‌دیگر دولت‌های خارجی با انجام اقداماتی در جامعه موردنظر موجب تحولاتی می‌شوند که در درازمدت بستر جنایات علیه بشریت را فراهم ساخته و به وقوع این جنایات منتهی می‌شود. در این قسمت چند نمونه از اقدامات دولت‌های خارجی در راستای نقش زمینه‌ای در وقوع جنایات مزبور مطرح و بررسی می‌شود:

۱-۱-۱- تفرقه‌افکنی استعماری

دولت‌های استعماری در گذشته و در قالب‌های نوین در زمان حال با اتخاذ سیاست «تفرقه بینداز و حکومت کن» به‌منظور پیشبرد اهداف خود در چپاول منابع و ثروت‌های جوامع استعماری که درحال حاضر، بیشتر کشورهای جهان سوم می‌باشند، بین مردم جوامع به‌طریق مختلف همچون دسته‌بندی‌های قومی، نژادی، مذهبی و دامن زدن به اختلافات، تفرقه ایجاد نموده که این موضوع، موجب ایجاد و تقویت کینه و خصومت بین آنها می‌شود و زمینه‌ساز فجایع بی‌ظنیری می‌شود که هزاران انسان را به‌طرز وحشیانه و بی‌رحمانه‌ای قربانی می‌نماید. به‌عنوان نمونه می‌توان به فجایع ارتکابی در رواندا و کنگو اشاره کرد. در رواندا مردم، متشکل از سه قوم هوتو - که اکثریت را تشکیل می‌داد - ، توتسی - که در اقلیت بودند - و

۶ ژاک فرانسوین، «جنایات جنگ و جنایات علیه بشریت» در *حقوق بین‌الملل کیفری* گزیده مقالات ۱، به اهتمام محمدعلی اردبیلی (تهران: میزان، ۱۳۸۷)، ۱۶۸.

توآ - که تعداد بسیار اندکی را شامل می‌شدند - بود.^۷ تثبیت قومیت‌های رواندایی، در طول دوره استعمار و بر اساس قانون آلمان (۱۹۱۶-۱۸۹۰) و سپس قانون بلژیک (۱۹۶۱-۱۹۱۶) آغاز شد.^۸ استعمارگران آلمانی و بلژیکی، ساختار اجتماعی موجود در رواندا را تغییر دادند. آنها کشور سلطنتی رواندا را که قرن‌ها توسط پادشاهان توتسی در صلح و آرامش به سر برده بود، تبدیل به حکومتی بر اساس تبعیض نژادی و سیستم طبقاتی کردند. بلژیکی‌ها بین اقلیت توتسی و بقیه تبعیض قائل شدند و موقعیت آنها را به‌عنوان طبقه حاکم در کشور بهبود بخشیدند؛ بنابراین برای توتسی‌ها، فرصت‌های شغلی بهتر و تحصیلات سطوح بالا تضمین شد تا هم کشور را به شکل بهتری اداره نمایند و هم در ازای این التفات، به اربابان بزرگ بلژیکی منافع بیشتری برسانند.^۹ به این ترتیب استعمارگران تغییرات ساختاری را ایجاد نمودند که عمدتاً برتری توتسی و استثمار هوتو را تقویت و دشمنی هوتو نسبت به توتسی را تشدید می‌نمود.^{۱۰} بلژیکی‌ها با اقدام به تهیه کارت شناسایی برای تشخیص و تمایز بین افراد هوتو و توتسی، بدعتی را پایه‌گذاری کردند که باعث نفاق و تفرقه بیشتر بین آنها شد. این اقدامات و تبعیض و اختلاف، رنجش درازمدتی را بین این دو قوم ایجاد کرد که تا دوره پس از استعمار ادامه یافت و پایه و اساس قتل‌عام و کشتار جمعی ۱۹۹۴ شد.^{۱۱}

در کنگو نیز میراث استعمار، خشونت و مناقشه‌های محلی بود که به کشتار و تجاوز عده زیادی از مردم بی‌گناه منجر شد. به این معنا که علت این مناقشه‌ها سلطه یک گروه قومی خاص و نفرت قومی میان مردم بود؛ وابستگی‌های قومی، بهانه‌ای برای همه آحاد کنگو بود. همانند رواندا، دشواری در روابط میان دو قوم هوتو و توتسی در کنگو، عامل اصلی بحران نبوده است. تاریخ نشان می‌دهد که این دو قوم هم‌زیستی مسالمت‌آمیز داشته‌اند و بحران میان آنها ریشه در استعمار دارد. به این معنا که در کنگو نیز زمانی به دلیل اعطای هویت زئیری به برخی از آنها و محرومیت عده‌ای دیگر، میان این اقوام (به‌ویژه هوتو و توتسی) اختلاف و بحران روی داد. فروپاشی ساختارهای اداری استعمار در دوران پساستعماری موجب

۷. اماکولی ایللی باگیزا، *ماندم تا روایت کنم (یافتن خدا در بحبوحه کشتار جمعی رواندا)*، ترجمه نادره میرمحمدعلی (تهران: انتشارات راستین، ۱۳۸۹)، ۵۲.

8. Caroline Moser and Fiona Clark, *Gender Analysis of Genocide in Rwanda* (London: Zed Books, 2001), 46.

۹. ایللی باگیزا، پیشین، ۵۲.

10. Ervin Stuab, "The Origins and Prevention of Genocide, Mass Killing, and Other Collective Violence," *Journal of Peace Psychology* 5(4) (1999): 12.

۱۱. ایللی باگیزا، پیشین، ۵۲.

تماس و برخورد اقوامی شد که طی دوران استعمار با مرزهای استعماری از یکدیگر جدا شده بودند و این امر منجر به بروز خشونت و کشتار در این کشور شد.^{۱۲}

به‌همین ترتیب پرونده‌هایی که درحال حاضر در دیوان کیفری بین‌المللی در دست بررسی است، سرگذشت مشابهی از سلطه استعمار را دارند؛ در این خصوص علاوه بر کنگو، می‌توان اوگاندا، چاد و سودان را هم ذکر نمود.^{۱۳}

بر همین اساس تمامی پژوهشگران و اندیشمندان حوزه آفریقا، بر سوءاستفاده استعمار و سیاستمداران از عناصر قومی و دگرگونی در برخی مبانی قومیت اذعان دارند و معتقدند که این امر موجب برانگیختن آتش اختلاف، نفرت و کینه میان اقوام مختلف شده است. این درحالی است که این اقوام قرن‌ها به‌طور مسالمت‌آمیز در کنار یکدیگر زندگی کرده‌اند.^{۱۴} همان‌گونه که «اسمولرز» هم‌عقیده با «استراوس»^{۱۵} و «فوجی»^{۱۶} می‌نویسد: «کشتارهای جمعی، پیامد سیاسی شدن قومیت است تا یک خصومت قومی صرف.»^{۱۷} درحال حاضر نیز بسیاری از دولت‌های استعمارگر که به دنبال چپاول منابع و ثروت‌های کشورهای دیگر به‌ویژه کشورهای جهان سوم هستند تلاش می‌کنند از طریق رسانه و برنامه‌های ماهواره بین مردم یک کشور با خودشان یا با کشورهای دیگر تفرقه ایجاد نموده و زمینه درگیری و کشتار را فراهم نمایند تا بتوانند درنهایت از بحران پدیدآمده بیشترین استفاده را نمایند. به‌عنوان نمونه می‌توان به برنامه‌های ماهواره در راستای ایجاد و تقویت تفرقه و اختلاف بین اقوام مختلف ایران یعنی کرد، ترک، لر و بلوچ یا بین شیعیان و سنی‌ها اشاره نمود. یا برنامه‌های سازمان‌یافته در راستای برجسته نمودن اختلافات بین مردم ایران و اعراب به‌ویژه کشور عربستان که این زمینه‌ها در گذر زمان و در پیوند با سایر عوامل می‌تواند منجر به ارتکاب جنایاتی فجیع شود.

بنابراین تأکید بر ایجاد و شکل‌گیری یک هویت تک‌واره انسانی که مبنای آن فقط انسان

۱۲. سیروس احمدی نوحدانی، امنیت و دموکراسی در کنگو دموکراتیک: بررسی نقش نهادهای نظامی در برقراری صلح (تهران: نشر نی، ۱۳۸۷)، ۴۰-۳۹.

13. Dawn L. Rothe, "Towards a Criminology of International Criminal Law: An Integrated Theory of International Criminal Violation," *International Journal of Comparative and Applied Criminal Justice* 33(1) (2009): 9.

۱۴. احمدی نوحدانی، پیشین، ۵۱.

15. Straus.

16. Fujii.

17. Alette Smeulders and Lotte Hoex, "Studying the Microdynamics of the Rwanda Genocide," *BRIT. J. Criminal* 50 (2010): 436.

بودن افراد صرف‌نظر از قومیت، ملیت، زبان، نژاد، مذهب و ... باشد می‌تواند از پیدایش اختلاف و تفرقه بین افراد که مستمسک قدرت‌های استعماری و حکومت‌های غالباً دیکتاتوری در زمینه‌سازی فجایع می‌باشد، جلوگیری نماید. تأکید بر این امر که انسان‌ها قبل از داشتن هر ویژگی، انسان هستند، به رسمیت شناختن حقوق انسانی و ارج نهادن به مساوات و برابری بین انسان‌ها انگیزه‌ای اصیل و نیرومند در جهت هم‌زیستی مسالمت‌آمیز عاری از هرگونه اختلاف و برتری‌جویی نشئت‌گرفته از تفاوت‌های قومی، نژادی، مذهبی و ... می‌باشد. لذا دولت‌ها، سازمان‌ها، نهادها و همه افراد در سطح داخلی و بین‌المللی باید در راستای تحقق وحدت بشری، شکل‌گیری و تقویت فرهنگ مبتنی بر آن تلاش نمایند. به‌عنوان نمونه تصویب قوانین و کنوانسیون‌هایی در جهت ایجاد الزاماتی درخصوص محتوای برنامه‌های آموزشی، تربیتی و فرهنگی به‌منظور ترویج و تقویت هدف مزبور، تأسیس انجمن‌های دوستی و وفاق در سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی با هدف تقویت وحدت و هم‌بستگی بین گروه‌های مختلف قومی، نژادی، مذهبی و ...، جرم‌انگاری رفتارهایی که موجب تفرقه و نفرت بر اساس ویژگی‌های قومی، نژادی، مذهبی و ... بین افراد می‌شود.

۱-۲-۱- تحمیل مرزبندی‌های بدون منطق بین اقوام ناهمگون

در این حالت، دولت‌های خارجی بدون در نظر گرفتن ناهمگونی قومی، زبانی، فرهنگی، نژادی و غیره بین اقوام مختلف، آنها را مرزبندی می‌کنند به‌گونه‌ای که این مرزبندی تحمیلی، بستر اختلاف، خشونت و درنهایت کشتار جمعی را فراهم می‌نماید. فجایع ارتكابی در یوگسلاوی سابق و درحال حاضر در عراق را می‌توان متأثر از این عامل دانست. در یوگسلاوی سابق، تشکیل این کشور و جنایات ارتكابی در آن ناشی از اشتباهات دولت‌های پیروز جنگ جهانی اول بود. به این معنا که در سال ۱۹۱۸ پس از پایان جنگ اول جهانی، سیاستمداران کوتاه‌بین دولت‌های پیروز در جنگ، برای ترسیم نقشه جدید سیاسی اروپا، کورکورانه و فقط به‌منظور انتقام‌جویی از دولت‌های شکست‌خورده، مرتکب اشتباهات بزرگی شدند که جنگ جهانی دوم و وقایع یوگسلاوی و فروپاشی آن کشور و نتایج ناگوار ناشی از این فروپاشی را باید ازجمله پیامدهای همان اشتباهات دانست. توضیح بیشتر اینکه سیاستمداران در اروپای مرکزی و بالکان با قراردادهای تریانون و سن ژرمن و انهدام امپراتوری‌های اتریش، مجارستان و عثمانی، سرزمین‌هایی را از این دو امپراتوری جدا کرده و بدون در نظر گرفتن واقعیت‌های سیاسی، نژادی، مذهبی و زبانی موجود در آنها یک کشور جدید، ساختگی بدون هویت روشن

به نام «یوگسلاوی» تأسیس کردند، درحالی‌که هیچ‌گونه آمال ملی، تاریخی، همگونی زبانی، نژادی یا مذهبی بین ساکنان آنها وجود نداشت و از همان زمان معلوم بود کشور ساختگی با اولین تندباد حوادث از هم می‌پاشد. بر همین اساس فقدان یکپارچگی ملی و عدم‌تجانس بین مردم شهرهای گوناگون این کشور موجب شد که اعلام استقلال بخش‌های مختلف کشور با زدوخوردهایی با دولت مرکزی بلغراد همراه شود، به‌ویژه جنگ‌های داخلی ناحیه مسلمان‌نشین بوسنی و هرزگوین صحنه جنایت‌های شدید و ضدانسانی شد.^{۱۸}

در عراق نیز ریشه اصلی بحران یکپارچگی و هویت به مرزبندی‌های مصنوعی استعماری پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی برمی‌گردد که در نتیجه آن دولت امروزی عراق در ذیل قیومیت دولت انگلستان از سه استان موصل، بغداد و بصره با ناهمگونی قومی، مذهبی و زبانی مانند سنی در مقابل شیعه، عرب در مقابل غیرعرب (کردها، ترکمن‌ها و ...) شکل گرفت؛ بنابراین نطفه خشونت و تفرقه‌افکنی با شکل‌گیری دولت تحمیلی و سیطره انگلستان شکل گرفت و استمرار یافت.^{۱۹}

به این ترتیب دولت‌های خارجی با اقدامات خود و بیشتر به‌منظور تقویت نفوذ و پیشبرد منافع، زمینه ارتکاب این جنایات را فراهم می‌نمایند؛ بنابراین تدوین یک کنوانسیون بین‌المللی در خصوص اصول و قواعد کلی مرزبندی کشورهای در شرف تجزیه یا تجزیه‌شده به نحوی که واجد بیشترین هم‌گرایی بین ساکنان مناطق جهت جلوگیری از بروز تفرقه و اختلاف باشد می‌تواند در از بین بردن یا تضعیف زمینه جنایات علیه بشریت بر این اساس مؤثر واقع شود.

۱-۲- نقش علی

گاهی دولت‌های خارجی در ارتکاب جنایات علیه بشریت، نقشی بیشتر از زمینه‌سازی دارند که با ایفای آن و بدون اینکه مباشرت در ارتکاب این جنایات داشته باشند، به‌گونه‌ای سبب محسوب می‌شوند. این نقش گاهی به‌صورت مستقیم و گاهی به‌صورت غیرمستقیم می‌باشد. حالت مستقیم، قالب فعلی و حالت غیرمستقیم، قالب انفعالی و به‌صورت ترک فعل است که در ادامه به‌تفصیل مورد بحث قرار می‌دهیم:

۱۸. رضا فیوضی، حقوق بین‌المللی کیفری (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۶)، ۲۵۵-۲۵۴.

۱۹. خلیل‌الله سردارنیا، «عراق، استمرار خشونت و رؤیای دموکراسی: یک تحلیل چندسطحی»، مجله راهبرد ۶۳ (۱۳۹۱)، ۱۳.

۱-۲-۱- نقش علی مستقیم

در این حالت دولت‌های خارجی با انجام اقداماتی نقش علی مستقیم در وقوع جنایات علیه بشریت دارند. به عبارت دیگر دولت‌های خارجی با دراختیار گذاردن اسلحه، انجام یا استمرار روابط و معاملات تجاری با دولت یا گروه مرتکب و موردحمایت قرار دادن آنها و اقداماتی از این قبیل وقوع این جنایات را موجب می‌شوند که در این قسمت به مواردی از این اقدامات اشاره می‌شود:

۱-۲-۱-۱- آموزش نیروهای مرتکب

در این حالت دولت‌های خارجی از طریق آموزش نیروهایی که مرتکب جنایات موردبحث می‌شوند در وقوع این جنایات سهیم هستند. به‌عنوان نمونه ایالات‌متحده، پرسنل نظامی آمریکای جنوبی را در زمینه تکنیک‌های ضدشورش آموزش می‌داد. این تکنیک‌ها در جریان ناپدیدسازی‌ها^{۲۰} در آرژانتین و نیز در اعمال خشونت علیه جمعیت دیگر کشورهای آمریکای جنوبی به کار گرفته می‌شد.^{۲۱} در گواتمالا هنگامی که انتخابات مردمی باعث روی کار آمدن رژیم سوسیالیستی شد که پس از مصادره زمین‌های شرکت «یونایتد فروت»، آن را در میان کشاورزان تقسیم کرد، سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا، برای براندازی حکومت و بر سرکار آوردن نظامیان، مبادرت به آموزش نیروهای شورشی کرد. نظامیان زمین‌ها را به شرکت «یونایتد فروت» بازگرداندند و مخفیانه به اقداماتی نظیر آدم‌ربایی، شکنجه^{۲۲} و کشتن مخالفان جناح چپ دست زدند. این اقدامات سرآغاز جریان ناپدیدسازی بود که تحت آموزش و حمایت مقامات آمریکا در دهه ۱۹۷۰ روی داد.^{۲۳} به این ترتیب دولت‌های خارجی به‌منظور

۲۰. یکی از مصادیق جرایم علیه بشریت، ناپدیدسازی است که مطابق قسمت آخر بند ۲ ماده ۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی عبارت است: «بازداشت یا حبس یا ربودن اشخاص توسط یک دولت یا سازمان سیاسی، یا با اجازه یا حمایت یا رضایت آنها و سپس امتناع از اعتراف به محرومیت این اشخاص از آزادی یا امتناع از دادن اطلاعات از سرنوشت یا محل وجود آنها، با قصد دور کردن آنها از حمایت قانون برای مدت طولانی.»
21. Stuaab, op.cit. 308.

۲۲. شکنجه به‌عنوان یکی از مصادیق جرایم علیه بشریت مطابق قسمت ۵ بند ۲ ماده ۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی عبارت است از: «ایراد عمدی درد یا رنج شدید جسمی یا روحی بر شخصی که در توقیف یا تحت کنترل متهم [به شکنجه] است. جز اینکه شکنجه شامل درد یا رنجی که صرفاً ناشی از مجازات قانونی که ذاتی و یا لازمه آن است، نمی‌شود.»

۲۳. جفری رابرتسون، جنایات علیه بشریت، ترجمه گروه پژوهشی ترجمه دانشگاه علوم اسلامی رضوی (مشهد): نشر دانشگاه علوم اسلامی رضوی، (۱۳۹۲)، ۷۸.

پیشبرد سیاست‌های خود که غالباً استثمار و غارت ثروت و منابع کشورهای موردنظر می‌باشد بدون اینکه در ارتکاب این جنایات، مباشرت داشته باشند با آموزش تکنیک‌های ارتکاب جرم، وقوع این فجایع را موجب می‌شوند.

۱-۲-۱-۲- تهیه و تدارک اسلحه

در خصوص تهیه و تدارک اسلحه، «اندی مسینگ پسر»^{۲۴}، سرگرد بازنشسته ارتش آمریکا، مدیر اجرایی نهاد مشورتی دفاع ملی محافظه‌کار محور، هشدار داد که گسترش فزاینده سلاح‌های کشتار جمعی و جمعیت رو به افزایش جهان، به‌تنهایی خطر بحران را افزایش می‌دهد.^{۲۵} فروش اسلحه که غالباً در حمایت از جنگ‌های محلی و برخوردهای نظامی می‌باشد، در چشم‌انداز کشورهای دریافت‌کننده، نتایج بسیار ویران‌گری دارد. ایالات متحده به‌تنهایی مسئول نیمی از اسلحه به‌فروش‌رفته در بازار جهانی است و دوسوم صادراتش راهی کشورهای در حال توسعه از جمله آفریقا می‌شود. کاربرد این سلاح‌ها نه‌تنها نتایجی خونین بلکه نتایجی ویران‌گر در اقتصاد و حکومت و جامعه برجای می‌گذارد. به‌عبارت‌دیگر امروزه فروش و ارسال اسلحه در افزایش برخوردهای نظامی و به‌تبع آن کشتارهای جمعی و جنایات علیه بشریت در آفریقا و جاهای دیگر به آنها نقشی پایدار می‌دهد.^{۲۶} در رواندا آرمزاسکور^{۲۷} آفریقای جنوبی مانند فرانسه، سلاح موردنیاز هوتوها را تأمین کرد و این درحالی بود که دیپلمات‌های این کشور، از تدارک طرح‌های نسل‌زدایی هوتوها مطلع بودند.^{۲۸} در عراق نیروهای صدام

24. Andy Messing Jr.

25. Waller, op.cit. 6.

۲۶. آمارتیا سن، هویت و خشونت: توهم تقدیر، ترجمه فریدون مجلسی (تهران: انتشارات آشیان، ۱۳۸۸)، ۱۲۶.

27. Armscour.

۲۸. رابرتسون، پیشین، ۱۱۸.

در این زمینه باید به این نکته اشاره نمود که نقش فرانسه در نسل‌زدایی رواندا یکی از محورهای اصلی اختلاف بین دولت فرانسه و رواندا می‌باشد. دولت رواندا با استناد به مدارک و شواهدی دولت فرانسه را به دست داشتن در نسل‌زدایی ۱۹۹۴ متهم می‌نماید. مستندات دولت رواندا: ۱- گزارش مؤسسه حقوقی کانینگ هام لوی میوز ایالات متحده که به سفارش دولت رواندا تهیه و در آن با استناد به مدارک و شواهد مشارکت فرانسه در قبل، حین و بعد از نسل‌زدایی تأیید شده است؛ ۲- گزارش ژنرال‌های کانادایی که فرماندهی نیروهای کمکی سازمان ملل در رواندا را برعهده داشتند به کوفی عنان رهبر نیروهای حافظ صلح سازمان ملل که در آن به اطلاعات موثق و دقیقی استناد نمودند که نظامیان فرانسه هوتوها را برای ترور شخصیت‌های مهم توتسی، قضاوت و سیاستمداران میانه‌روی هوتو آموزش می‌دهند و همچنین اسنادی که بر اساس آنها دولت فرانسه به نظامیان فرانسوی مستقر در رواندا دستور داده بود تا به عاملان نسل‌زدایی سلاح تحویل دهند؛ ۳- انتشار فیلمی از پایگاه اینترنتی مدیپارت که توسط نظامیان ارتش فرانسه ضبط و در آن یک سرگروهبان

حسین در سال ۱۹۸۹ با استفاده از نوعی گاز ضعیف‌شده «زیکلون بی» که شرکت‌های شیمیایی آلمان برای عراق تهیه کرده بودند هشت هزار کرد را به قتل رساندند. شتاب‌زدگی بریتانیا، فرانسه، آلمان و ایتالیا برای معامله با دیکتاتوری عراق که دچار مشکل خودبزرگ‌بینی بود، آنها را بر آن داشت تا وزیران تجارت خود را در رأس هیئت‌های تجاری، برای قتل‌عام مردم، روانه عراق کنند. آنها چنان بی‌قیدوشرط، سلاح و تجهیزات اسلحه‌سازی در اختیار صدام قرار داده بودند که وقتی از او خواستند در تجاوز به کویت از آنها استفاده نکند او واقعاً شگفت‌زده شد.^{۲۹} امروزه هم دولت عربستان با ارسال سلاح و تجهیزات و به عبارتی با تأمین بخش عمده اسلحه و مهمات گروه تروریستی داعش در جنایات ارتكابی این گروه نیز نقش دارد.^{۳۰} بنابراین ایالات‌متحده و دولت‌های غربی که مسئول تولید و تدارک بخش عمده اسلحه در جهان هستند باید به تغییراتی اساسی تن دهند که تجارت مرگ را از درون مرزهای خود، محدود یا متوقف سازند و در این خصوص جامعه بین‌المللی باید نقش فعال‌تری ایفاء نماید و با تصویب کنوانسیون‌های جهانی به تحقق این اقدام جامه عمل بپوشانند.

۱-۲-۳- روابط و مبادلات تجاری

برقراری یا استمرار روابط تجاری با دولت‌ها یا گروه‌های مرتکب جنایات علیه بشریت و به‌نوعی تأمین مالی غیرمستقیم مرتکبین، نقش مهمی در ارتکاب این جنایات از سوی

در حال گزارش به فرمانده خود درباره قتل‌عام هزاران نفر از قبیله توتسی در فاصله چند کیلومتری محل استقرار آنهاست، همچنین سرگروهبان به اجساد در نزدیکی آنجا اشاره می‌کند که برخی از آنها قطعه‌قطعه شده‌اند اما فرمانده از دستور به انجام هرگونه اقدامی خودداری می‌کند؛ ۴- رأی شورای قانون اساسی فرانسه مبنی بر انطباق ممنوعیت دسترسی به اسناد آرشیو شده کاخ الیزه جهت تحقیق پیرامون نسل‌زدایی رواندا با قانون اساسی این کشور. این رأی به دنبال شکایت فرانسوا گارنر پس از ممنوعیت دسترسی وی به اسناد آرشیو شده کاخ الیزه صادر شد. وی محقق فرانسوی مرکز تحقیقات علمی فرانسه است که برای روشن شدن ابهام‌هایی پیرامون نسل‌زدایی رواندا و نقش دولت وقت فرانسه سال‌ها به تحقیق و مطالعه مشغول است و در راستای انجام تحقیقاتش از دسترسی وی به اسناد مورد اشاره جلوگیری شده است؛ اما در مقابل این شواهد، دولت فرانسه همواره این ادعاها را رد کرده و آنها را صرفاً دروغ آشکار می‌داند. هرچند بسیاری از محققین آفریقایی انکار فرانسه را تعجب‌برانگیز نمی‌دانند زیرا معتقد هستند دولت پاریس در خصوص حضور و نفوذ سیاست استعمارگرانه نوین خود در قاره آفریقا همواره به دروغ‌گویی و انکار حقوق ملت‌های آفریقا مبادرت کرده است. به نظر نویسنده تصمیم شورای قانون اساسی فرانسه هم می‌تواند تردیدها در خصوص نقش فرانسه در نسل‌زدایی رواندا را تقویت نماید.

۲۹. همان، ۱۱۴.

30. Tim Anderson, *The Dirty War on Syria: Washington, Regime Change and Resistance* (California: Global Research Publishers, 2016), 76.

دولت‌های خارجی دارد. به‌عنوان نمونه می‌توان به کمک‌های مالی غیرمستقیم دولت ترکیه به داعش در این زمینه اشاره کرد که به ادعای بسیاری از کشورها با خرید نفت از گروه تروریستی داعش در جنایات ارتكابی این گروه نقش دارد. در این زمینه می‌توان گفت تحریم کشورهایایی که با مرتکبین جنایات علیه بشریت روابط و مراودات مالی یا تجاری دارند می‌تواند عاملی بازدارنده در جهت حذف یا تضعیف نقش این عامل در ارتكاب جنایات مزبور باشد.

۱-۲-۱-۴- حمایت

حمایت دولت‌های خارجی از دولت یا گروه مرتکب در قالب تشجیع آنها به ارتكاب جنایات علیه بشریت نیز در این قسمت قابل‌بحث است. به‌عنوان نمونه تا قبل از حمله به کویت، کشورهای زیادی از عراق، باوجود اینکه جنگ علیه ایران را شروع کرده بود و از سلاح‌های شیمیایی علیه شهروندان کرد خود استفاده کرده بود، حمایت می‌کردند. ایالات‌متحده نیز کمک خود به السالوادور در سال ۱۹۸۴ را حتی باوجود اینکه چهار هزار نفر بین سال‌های ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۳ از طریق اعدام‌های غیرقانونی توسط نیروهای امنیتی کشته شدند، افزایش داد.^{۳۱} در آفریقا، سیا به نمایندگی از دولت از هولدن روبرتو^{۳۲} در آنگولا که کودکان کم‌سن‌وسال را برای کشتار با «ای - کی ۴۷» مسلح کرده بود، حمایت می‌کرد. در همین حال کا.گ.ب از کلنل منگیستو^{۳۳} که خونریزتر از ایدی امین^{۳۴} بود، حمایت می‌کرد.^{۳۵}

به این ترتیب چنین اقداماتی در خدمت به دولت یا گروهی که به ارتكاب جنایات علیه بشریت می‌پردازند پیوند علی را با دولت اقدام‌کننده و یاری‌رسان محقق می‌سازد. در اینجا نیز تحریم دولت یا سازمان حمایت‌کننده از مرتکبین جنایات به شرط اینکه دولت‌ها و سازمان‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی بیشتری به‌طور هماهنگ با آن همراه باشند، می‌تواند نقش مؤثری در مواجهه با این عامل داشته باشد.

۱-۲-۲-۲- نقش علی غیرمستقیم

گاهی دولت‌های خارجی با سکوت و عدم واکنش نسبت به جنایات ارتكابی خارج از قلمرو

31. Staub, op.cit. 308.

32. Holden Roberto.

33. Colonel Mengistu.

34. Idi Amin.

حاکمیت خود، به‌طور غیرمستقیم در وقوع این جنایات ایفای نقش می‌کنند. بی‌تفاوتی ناظران، اینکه ناظران چشم‌ها و گوش‌های خود را بر روی فجایع ببندند و ادعا نمایند که چیزی نمی‌دانند، مرتکبین را تشجیع و گسترش خشونت فزاینده را امکان‌پذیر می‌سازد.^{۳۶} روایت یک بازمانده توتسی، بیانگر نقش بی‌طرفی ناظران در تشجیع مرتکبین است:

«از زمان شروع کشتار در کشور ما هیچ نیروی خارجی وجود نداشت و این موضوع برای دولت ما به‌منزلهٔ این بود که دنیا هیچ اهمیتی به نسل‌زدایی توتسی‌ها و زندگی آنها نمی‌دهد و به همین دلیل، آنها به‌راحتی به کشتار مردم بی‌گناه ادامه می‌دادند.»^{۳۷}

به‌عبارت‌دیگر، سکوت و عدم‌واکنش ناظران داخلی و خارجی، ایجاد موقعیت وقوع چنین جرایمی را تسهیل می‌نماید. والتینو در این زمینه بیان می‌دارد: «بی‌تفاوتی و بی‌اعتنایی صرف نسبت به درد و رنج قربانیان که من آن را مساعدت منفی تلقی می‌نمایم، مهم‌تر از مساعدت مثبت یا شرکت در خود کشتار است.»^{۳۸} البته چنین بی‌تفاوتی رایج و متداول است. به‌عنوان نمونه زمانی که در سال ۱۹۸۹ نیروهای صدام حسین با استفاده از نوعی گاز ضعیف‌شده «زیکلون بی» هشت هزار کرد را به قتل رساندند، دوربین هیچ تلویزیونی آنها را به تصویر نکشید. همچنین موضع دولت‌های مهم (کلیه کشورهای مهم که کنوانسیون منع نسل‌زدایی را امضاء کرده‌اند) در طول سه ماه نسل‌زدایی در رواندا که گروه‌های مسلح به مسلسل، ساتور و گرزهای میخ‌دار به راه افتادند و هر توتسی بدبختی را که می‌دیدند درجا می‌کشتند، شگفت‌انگیز بود. دولت کلیتون که صد درصد مورد حمایت وزارت امور خارجه انگلستان در زمان وزارت جان میجر بود، اصرار داشت که این خشونت کثیفی است که غرب نباید در آن مداخله کند. دولت‌های دیگر نیز همین موضع بی‌تفاوتی را اتخاذ نمودند. درباره آنها اگر خوش‌بینانه برخورد کنیم باید بگوییم که آنها بی‌اعتنا بوده‌اند و اگر منصفانه قضاوت نماییم، باید بگوییم که در این نسل‌زدایی وحشیانه که تاریخ پس از فاجعه کامبوج نظیر آن را شاهد نبوده است، شریکند.^{۳۹} هانس جورج ایف^{۴۰} سفیر سابق آلمان در یوگسلاوی سابق از برخورد خودخواهانه کشورها نسبت به فاجعه یوگسلاوی اظهار تأسف نمود و بیان داشت در آلمان نیز

36. Staub, op.cit. 308.

۳۷. ایللی باگیزا، پیشین، ۲۲۹.

38. Benjamin Valentino, *Final Solutions: Mass Killing and Genocide in the 20th Century* (New York: Cornell University Press, 2004), 234.

۳۹. رابرتسون، پیشین، ۱۱۴ و ۱۲۰.

40. Hans George F.

همانند جاهای دیگر تلاش‌ها بر روی سیاست‌های داخلی متمرکز است.^{۴۱} در حال حاضر نیز سکوت و عدم واکنش کشورها به جنایات ارتكابی داعش در عراق، سوریه و لیبی، بوجوهرام در نیجریه و القاعده و طالبان در پاکستان و افغانستان قابل توجه می‌باشد که این امر باتوجه به اینکه موجب تشجیع و تجرّی مرتکبین می‌شود به‌عنوان عاملی تعیین‌کننده در ارتكاب جنایات علیه بشریت محسوب می‌شود.

بر این اساس تحریک افکار عمومی و برانگیختن وجدان بشری از طریق پوشش خبری فجایع ارتكابی می‌تواند هیجانانگیز توأم با خشم و ترحمی را به‌وجود آورد که سیاستمداران را تحت فشار قرار دهد تا از حالت انفعال و بی‌تفاوتی خارج شده و به‌منظور متوقف نمودن ارتكاب جنایات مداخله نمایند؛ بنابراین نقش حیاتی و مهم رسانه‌ها در این زمینه قابل توجه می‌باشد که یک مؤلفه مهم در ایفای این نقش، پابندی رسانه‌ها به اصول اخلاقی و مبارزه با سانسور، تهدید و کنترل از سوی صاحبان قدرت است که این امر نیز موضوعی پیچیده بوده و مستلزم استانداردهای بین‌المللی مورد نیاز می‌باشد.

اما در پاسخ به این سؤال که چرا دولت‌ها معمولاً در واکنش نسبت به چنین فجایعی، بی‌تفاوت می‌مانند دلایلی مطرح شده است که برخی از آنها عبارتند از:

۱- **اصل عدم مداخله:** دست‌کم به لحاظ تئوری، اصل عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر، روابط دولت‌ها را هدایت می‌نماید.^{۴۲} بند ۷ ماده ۲ منشور ملل متحد در این زمینه مقرر می‌نماید: «هیچ‌یک از مقررات مندرج در این منشور، سازمان ملل متحد را مجاز نمی‌دارد در اموری که ذاتاً جزو صلاحیت داخلی هر کشوری است مداخله نمایند و اعضاء را نیز ملزم می‌نماید که چنین موضوعاتی را تابع مقررات این منشور قرار دهند...» بر این اساس، چه بسا دولت‌ها معتقد باشند که با عدم مداخله، از یک نظام بین‌المللی منظم حمایت می‌نمایند و در نتیجه نسبت به فجایع ارتكابی در سرزمین دیگر بی‌تفاوت بوده و برای متوقف نمودن آن اقدامی انجام نمی‌دهند.

اما امروزه استناد به این اصل برای توجیه بی‌تفاوتی در مقابل درد و رنج قربانیان جنایات علیه بشریت پذیرفته نیست. به‌گونه‌ای که در گزارش هیئتی عالی‌رتبه که به درخواست کوفی عنان دبیرکل سابق سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۳ مأمور بررسی «تهدیدات، چالش‌ها و تغییر سازمان ملل متحد» شدند، استدلال شده است که اصل

۴۱. روی گوتمان، *شاهدی بر نسل‌کشی*، ترجمه محمود حدادی (تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۳)، ۱۵۰.

42. Staub, op.cit. 315.

عدم‌مداخله در امور داخلی کشورها نمی‌تواند برای حمایت از اعمالی نظیر نسل‌زدایی یا جنایات مشابه دیگر نظیر نقض گسترده حقوق بشر در دوستانه بین‌المللی و یا تصفیه قومی گسترده مورد استفاده قرار گیرد؛ اعمالی که به درستی می‌توانند تهدید علیه امنیت بین‌المللی محسوب شوند و در واقع جامعه بین‌المللی نباید نسبت به نسل‌زدایی و سایر جنایات در کشوری بی‌تفاوت باشد. به عبارت دیگر در حال حاضر این نظریه تشویق شده است که حاکمیت دولت، مانعی برای دخالت جامعه بین‌المللی در حالت بحرانی برای رفع رنج و صدمه انسان‌ها نخواهد بود؛ زیرا تضمین حمایت از حقوق افراد یکی از اهداف عمده نظام بین‌المللی حقوق بشر است. امروزه نفع و مصلحت فرد و جامعه بین‌المللی در مقابل اختیار و آزادی مطلق دولت‌ها قرار گرفته است.^{۴۳}

۲- **تمایل به حفظ حاکمیت مطلق خود:** دلیل دیگر بی‌تفاوتی این است که دولت‌ها تمایل دارند حاکمیت مطلق بر تمام شهروندانشان داشته باشند. آنها از مداخله در امور دیگران اجتناب می‌نمایند، همچنان که دیگران در امورشان مداخله نخواهند نمود. این موضوع از طریق عدم‌تمایل دولت‌ها به گنجاندن گروه‌های سیاسی در کنوانسیون نسل‌زدایی و از طریق حملات مستمر برخی از دولت‌ها به اصول حقوق بشر نشان داده شده است.^{۴۴}

۳- **بی‌فایده بودن اقدام:** هرگونه اقدام به منظور متوقف یا محدود نمودن کشتار جمعی به دلیل عدم توجه به علل ریشه‌ای آنها، بی‌نتیجه می‌ماند. به عبارت دیگر هرگونه اقدامی در این زمینه می‌تواند در بهترین حالت، راه‌حلی کوتاه‌مدت باشد. بر این اساس تا زمانی که ساختارهای اجتماعی و سیاسی که ریشه و مبنای اقدامات خشونت‌آمیز هستند، تغییر ماهیت ندهند، کشتار جمعی یک خطر دائمی باقی می‌ماند. متأسفانه چنین اعتقادی باب یک توجیه حاضر و آماده برای عدم‌فعالیت کنشگران بین‌المللی از جمله دولت‌ها می‌باشد. به عبارت دیگر چنانچه صرفاً تحولات بنیادین در دولت‌ها و جوامع بتوانند در طولانی مدت از کشتار جمعی پیشگیری نمایند و چنانچه تحقق و عملی شدن چنین تحولاتی، از بیرون دشوار یا غیرممکن باشد، در این صورت کنار گذاشتن درخواست‌ها برای اقدام و مداخله به مثابه یک امر بیهوده و کوتاه‌بینانه، کاملاً ساده و منطقی است. به عنوان نمونه مقامات آمریکایی در اوایل دهه ۱۹۹۰ بارها این منطق را برای توجیه عدم‌رغبتشان به مداخله با

۴۳. جمشید شریفیان، «سازمان ملل متحد و مداخله بشردوستانه»، مجله سیاست خارجی ۸۰ (۱۳۸۵)، ۹۱۴ و ۹۱۷.

44. Staub, op.cit. 315, 316.

قدرت بیشتر به‌منظور متوقف نمودن خشونت در یوگسلاوی سابق به‌کار بردند. در سال ۱۹۹۲ وزیر امور خارجه آمریکا لاورنس ایگلبرگر^{۴۵} درخصوص همین موضوع چنین بیان نمود:

«این یک جنگ منطقی نیست، بلکه یک نزاع قومی است و اساساً هیچ‌گونه منطقی در نزاع قومی وجود ندارد. این خصومت است؛ تنفر قومی است و در راستای هیچ مجموعه‌ای از ارزش‌ها یا اهداف نیست و متوقف نمودن آن بسیار دشوار است.»

مشاور امنیت ملی رئیس‌جمهور کلینتون، آنتونی لک^{۴۶} همین مبنا را برای توجیه تردید آمریکا برای مداخله در رواندا به کار برد. وی با سخنرانی در یک جلسه اطلاع‌رسانی مطبوعاتی در کاخ سفید در می ۱۹۹۴ در اوج نسل‌زدایی رواندا بیان داشت:

«مداخله و وارد شدن در این‌گونه نزاع‌ها به امید اینکه اثری داشته باشد بسیار دشوار است زیرا اساساً بدون تردید، ریشه‌های این نزاع‌ها در اغتشاش سیاسی درون این ملت‌هاست و اغتشاش سیاسی هم ممکن نیست پذیرای تلاش‌های جامعه بین‌المللی باشد؛ بنابراین، نه ما و نه جامعه بین‌الملل امکانات و توانایی حل هیچ‌گونه نزاعی از این نوع را نداریم.»

وزیر سابق امور خارجه آمریکا هنری کیسینجر^{۴۷} نیز به دلایل مشابه با اعزام سربازان ارتش زمینی به کوزوو در سال ۱۹۹۹ مخالفت نمود:

«نزاع قومی، قرن‌ها در بالکان رایج بوده است. این نزاع‌ها با وحشیگری‌های بی‌سابقه همراه بوده‌اند زیرا هیچ‌یک از جمعیت‌ها هیچ تجربه و اساساً هیچ اعتقادی به مفاهیم غربی مدارا ندارند. اصول مصالحه که مبنای بسیاری از طرح‌ها برای یک راه‌حل را تشکیل می‌دهند هرگز در بالکان بازتاب پیدا نکرده است.»^{۴۸}

اما این بخش از توجیه فوق که اقدام، یک راه‌حل کوتاه‌مدت بوده و نمی‌تواند به علل ریشه‌ای بپردازد، قابل قبول نمی‌باشد زیرا تاریخ نشان داده است که اقدام در محدود نمودن یا توقف کشتار مؤثر بوده است. اگر اقدام بتواند حتی یک انسان را از تجاوز، قتل و دیگر فجایع نجات دهد ترک آن، غیرانسانی خواهد بود.

۴- عدم تمایل به تحمل تلفات و مخالفت شهروندان: گاهی اوقات خودداری از سکون و بی‌تفاوتی درمقابل جنایات علیه بشریت متضمن مداخله نظامی با اعزام سربازان ارتش

45. Lawrence Eagleburger.

46. Anthony Lake.

47. Henry Kissinger.

48. Valentino, op.cit. 238-239.

دولت مربوطه است. پیامد طبیعی چنین اقدامی، کشته شدن یا آسیب دیدن تعدادی از کشتگران نظامی است. امری که دولت‌ها تمایلی به آن نداشته و شهروندانشان نیز غالباً از آن حمایت نمی‌کنند. به‌عنوان نمونه در ابتدای مداخله ایالات‌متحده در سومالی در سال ۱۹۹۲ نظرسنجی‌ها نشان داد که بین ۷۳ تا ۸۱ درصد از آمریکایی‌ها از اقدام دولت حمایت نمودند؛ اما پس از آنکه هیجده سرباز آمریکایی در اکتبر ۱۹۹۳ در موگادیشو کشته شدند حمایت، کاهش یافت. مردم معتقد بودند هر اقدامی که ایالات‌متحده می‌توانست در سومالی انجام دهد ارزش کشته شدن یک سرباز دیگر را ندارد.^{۴۹} بر همین اساس رئیس‌جمهور کلینتون به نیروهایش فرمان بازگشت داد. بار دیگر، در تصاویر آخرین بالگردها نشان داده شد که به تعدادی بیشتر از آنچه در زمان ورود به موگادیشو فرود می‌آمدند، این کشور را ترک می‌کردند. این اقدام، حرکت نمادینی بود که نشان می‌داد دولت آمریکا دیگر ریسک نخواهد کرد؛ زیرا رأی‌دهندگان نمی‌توانستند بیش از این، شاهد اجساد سربازان آمریکایی باشند.^{۵۰} تجربه آمریکا در سومالی به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین دلایل در ممانعت از یک تأمل جدی‌تر درباره مداخله نظامی در رواندا، کمتر از شش ماه بعد از آن و در واکنش به شاید روشن‌ترین مصداق نسل‌زدایی از زمان هولوکاست بود. یک افسر سابق وزارت دفاع ایالات‌متحده در پاسخ به انتقاد از عدم واکنش ایالات‌متحده توضیح داد: «هر فردی تا حدودی به واسطه وقایع سومالی متأثر شده بود. صحنه‌های شادمانی وحشیانه‌ای که جسد مثله‌شده خلبان جوان بالگرد آمریکایی را در خیابان‌های پر گردوخاک، به این سو و آن سو می‌کشیدند هرگز فراموش نخواهد شد. مردم، دیگر تمایلی به مداخله نداشتند.»^{۵۱}

همچنین فاجعه سربرنیتسا که در آن هفت هزار نفر از مردان و جوانان مسلمان توسط ملادیچ^{۵۲}، ژنرال ارتش صرب در برابر دیدگان سربازان هلندی به مزارعی منتقل و در آنجا به قتل رسیدند و در گورهای دسته‌جمعی دفن شدند و بیست و سه هزار زن، کودک و مردان کهن‌سال جابه‌جا شدند، نشان داد دولت‌ها مایل نیستند برای تضمین و اجرای

49. Ibid, 246.

۵۰. رابرتسون، پیشین، ۱۱۷.

51. Robert Hillan, "A Theoretical Perspective on the American Tragedy," *Social Science Research* 13 (2007): 173.

52. Meladich.

حقوق بشر حتی جان یک نفر از اتباع خود را به خطر اندازند.^{۵۳}

۵- منفعت حاکمیتی: خودداری از بی‌تفاوتی ممکن است دولت‌ها را ملزم نماید که با یک هم‌پیمان یا شریک تجاری که به‌عنوان مرتکب، شناخته شده است مخالفت نمایند و تبعات این مخالفت را برعهده بگیرند. به‌عبارت‌دیگر دولت‌ها به‌طور سنتی این‌گونه عمل نموده‌اند که آنچه را که آنها به‌عنوان منفعت ملی‌شان تلقی می‌نمایند و معمولاً با شاخص‌های قدرت، ثروت و یا نفوذ مشخص می‌شوند، تقویت نمایند. آنها خودشان را به‌عنوان نمایندگان اخلاق واجد تعهد و مسئولیت در قبال رفاه مردم خارج از مرزهایشان تلقی نمی‌کنند.^{۵۴} در این خصوص به‌ویژه دولت‌هایی که با یک دولت مرتکب، روابط نزدیک دارند بسیار احتمال دارد که به خاطر منافع خود، بی‌تفاوت بمانند.

۲- سازمان‌های بین‌المللی

یکی دیگر از عوامل بین‌المللی مؤثر در وقوع جنایات علیه بشریت، سازمان‌های بین‌المللی می‌باشند که مانند دولت‌های خارجی نقش آنها در وقوع این جنایات ممکن است زمینه‌ای یا علی باشد که هریک را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۲-۱- نقش زمینه‌ای

در این حالت سازمان‌های بین‌المللی با انجام اقداماتی زمینه وقوع جنایات علیه بشریت را فراهم می‌آورند و به‌گونه‌ای در وقوع این جنایات دخیل می‌گردند. در این خصوص می‌توان به نقش زمینه‌ساز بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول در ارتکاب جنایات مزبور اشاره نمود. بانک جهانی به‌ویژه به دست داشتن در اتخاذ سیاست‌هایی با پیامدهای نسل‌زدایی، تشدید درگیری‌های قومی، افزایش شکاف میان فقیر و غنی و آواره نمودن بی‌رحمانه تعداد زیادی از بومیان کشورهای در حال توسعه از خانه و وطن اصلی و اولیه‌شان متهم است. به‌عنوان نمونه برجسته‌ترین پروژه بانک جهانی، سدسازی بوده است؛ اما حتی کارشناسان خود این بانک پذیرفته‌اند که میلیون‌ها نفر به خاطر این پروژه‌ها آواره شده‌اند. در واقع در بسیاری از این پروژه‌ها، طرح اسکان بومیان ساکن اطراف پروژه، وجود خارجی نداشته یا به شکل نامناسبی به اجرا درآمده‌اند. یک انسان‌شناس آمریکایی، آواره و بی‌خانمان شدن مردم و اسکان اجباری

۵۳. رابرتسون، پیشین، ۱۲۱.

54. Staub, op.cit. 316.

آنها در پروژه‌های مرتبط با سدسازی را بدترین نوع جنایت علیه آنها توصیف نموده است که کمتر از کشتن آنها نیست. یکی از موارد عینی که این بانک با اعطای تسهیلات در راستای انجام این پروژه‌ها زمینه جنایات علیه بشریت را فراهم نمود مربوط می‌شود به دهه ۱۹۷۰ که در آن معترضان به اجرای پروژه سدسازی در گواتمالا که آواره و بی‌خانمان شده بودند، توسط ارتش قتل‌عام شدند. در چنین شرایطی این جنایت به بانک جهانی نسبت داده شد و در یکی از نشست‌های بانک جهانی در سال ۱۹۸۸ در برلین، معترضان به سیاست‌های این بانک، خواستار تأسیس دادگاهی شدند تا بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول را به‌خاطر جنایت علیه بشریت محاکمه نماید.^{۵۵}

همچنین نقش زمینه‌ساز بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول در نسل‌زدایی رواندا قابل‌ذکر می‌باشد. به‌عبارت‌دیگر تأثیر فاجعه‌آمیز سیاست‌های تعدیل ساختاری تحمیل‌شده از سوی صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی نقش مهمی را در ایجاد شرایط اقتصادی و اجتماعی ایفاء نمود که بحران نسل‌زدایی رواندا در آن شکل گرفت. توضیح بیشتر اینکه اقتصاد رواندا حتی پس از استقلال به شدت متکی به صادرات قهوه بود، به‌گونه‌ای که صادرات قهوه تقریباً هشتاد درصد درآمدهای ارزی خارجی این کشور را تأمین می‌کرد. در سال ۱۹۸۸ هیئتی از سوی بانک جهانی به رواندا اعزام شد تا برنامه‌های اقتصادی این کشور را موردبررسی قرار دهند. این بررسی منجر به ارائه پیشنهادهاتی شد که هدف آنها بازگرداندن رواندا به مسیر رشد اقتصادی پایدار بود. در راستای این پیشنهادها سیاست‌هایی چون آزادسازی تجارت، کاهش ارزش پول رایج برای تقویت صادرات قهوه، افزایش تمامی سوبسیدهای کشاورزی، خصوصی‌سازی شرکت‌های دولتی و کاهش استخدام عمومی کشوری به اجرا درآمد. اجرای این برنامه و اصلاح ساختاری پیشنهادی صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی به‌ویژه کاهش ارزش پول که در سال ۱۹۹۰ کاهش پنجاه درصدی ارزش فرانک را به دنبال داشت باعث تورم شدید اقتصاد این کشور شد. از طرفی در همین سال‌ها بانک جهانی با این ادعا که اوگاندا قادر است بدون تأثیرگذاری بر قیمت‌های بین‌المللی، صادرات قهوه را دو برابر نماید، به این دولت پیشنهاد نمود تا تولید قهوه‌اش را دو برابر نماید. عرضه گسترده قهوه منجر به افت قیمت شد و قیمت‌های جهانی سقوط کرد. در این شرایط صدها هزار کشاورز قهوه در رواندا دچار ورشکستگی شدند و همانند فقیرترین بخش‌های

55. David Fredrics and Jessica Friedrichs, "The World Bank and Crimes of Globalization: A Case Study," *Social Justice* 29(1-2) (2002): 23-24.

جمعیت شهری، این کشاورزان تهی‌دست نیز به منبع دائمی سربازان جدید شبه‌نظامیان اینترهاموی و ارتش تبدیل شدند. نیرویی که بازوی اصلی طرح نسل‌زدایی بود. به عبارت دیگر افراطی‌های رژیم از نارضایتی گسترده اجتماعی حاصل از شرایط ویران‌گر اقتصادی که نتیجه سیاست‌های بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول بود در اجرای طرح نسل‌زدایی بهره بردند.^{۵۶}

به این ترتیب سازمان‌های بین‌المللی با ایجاد موقعیت‌ها و بسترهای وقوع جنایات علیه بشریت یکی از عوامل ارتکاب این جنایات محسوب می‌شوند. در این زمینه می‌توان گفت با توجه به انتقاداتی که بر سیاست‌های بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول وارد شده است از جمله اتکای زیاد به تضعیف ارزش پول، نداشتن برنامه جامع برای حمایت از گروه‌های کم‌درآمد و آسیب‌پذیر، نادیده گرفتن جنبه‌های غیراقتصادی برنامه‌ها و سیاست‌های اتخاذی و ...^{۵۷} و نتایج شوم و زیان‌باری که اجرای این سیاست‌ها در کشورهای مجری دارد از جمله کشورهای مورداشاره در فوق و کشورهای دیگری که حتی در موارد به ظاهر موفق، معضلات جدیدی مانند تورم، بیکاری، نوسانات شدید نرخ ارز، کاهش بی‌درپی ارزش پول ملی، گسترش فقر و بدتر شدن وضعیت توزیع درآمدها، نابسامانی وضعیت تجاری و ... که همه می‌توانند بستر و موقعیت برای بروز فجایع را فراهم نمایند، موج اعتراضات و نارضایتی عمومی در غالب کشورها نسبت به این سازمان‌ها و سیاست‌های آنها را موجب شده است.^{۵۸} لذا می‌بایست عزم و اراده‌ای جدی از سوی کشورها به‌ویژه کشورهای در حال توسعه که از سیاست‌های این سازمان‌ها متضرر شده‌اند و کشورهای دیگر حامی حقوق بشر برای تشکیل مؤسسات مالی منطقه‌ای و بین‌المللی با ساختارهای واقع‌بینانه‌تر و بر پایه منافع و مصالح ملت‌ها و به دور از سلطه‌طلبی منفعت‌جویانه قدرت‌های بزرگ شکل گیرد.

۲-۲- نقش علی

گاهی نقش سازمان‌های بین‌المللی در وقوع جنایات علیه بشریت، نقش علی به صورت مستقیم یا غیرمستقیم است که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

56. Dawn L Rothe, Christopher Mullins and Kent Sandstorm, "The Rwanda's Genocide: International Finance Policies and Human Rights," *Social Justice* 35(3) (2008-09): 75-77.

57. سید حسین میرجلیلی، «بحران هویت بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول»، *مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی* ۱۰۱ و ۱۰۲ (۱۳۷۴)، ۱۰۰.

58. بهزاد یغماییان، «نقد سیاست‌های توسعه بانک جهانی»، *مجله بررسی‌های بازرگانی* ۱۳۷ (۱۳۷۷)، ۹۰.

۲-۲-۱- نقش علی مستقیم

در این حالت سازمان‌های بین‌المللی با انجام اقداماتی در ارتکاب این جنایات سهیم می‌شوند. به‌عنوان نمونه می‌توان به نقش بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول در نسل‌زدایی رواندا اشاره نمود که با اعطای وام به این کشور با علم به اینکه وام اعطایی صرف خرید تسلیحات و تجهیزات نظامی می‌شود و با علم به هشدارهایی که از طرح نسل‌زدایی در این کشور خبر می‌داد، در این فاجعه نقشی فعال ایفاء نمودند. به‌عبارت‌دیگر صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی در ابتدای ۱۹۹۳، پرداخت وام به این کشور را به حالت تعلیق درآوردند. این تعلیقات می‌بایست در اوایل ۱۹۹۲ اعمال می‌شد، یعنی زمانی که آنها می‌دانستند که وام اعطایی، بودجه زیاد و بی‌سابقه تجهیزات نظامی و خریدهای تسلیحاتی را تأمین می‌کند، به‌این‌ترتیب آنها با تداوم تأمین بودجه خرید تسلیحات و تجهیزات نظامی تا اوایل سال ۱۹۹۳ علی‌رغم هشدارهای خطر وجود طرح نسل‌زدایی، در این جنایت سهیم بودند.^{۵۹} همچنین می‌توان به نقش بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول در اعطای وام جهت تجهیز نیروهای دولت سودان در فجایع این کشور اشاره نمود. هرچند این سازمان‌ها ادعا می‌کنند وام اعطایی جهت توسعه اقتصادی کشور بوده است ولی این ادعا باوجود یک رهبر خودکامه در این کشور که از سوی دیوان کیفری بین‌المللی به اتهام نسل‌زدایی و جنایات علیه بشریت تحت تعقیب است، پذیرفته نیست.

۲-۲-۲- نقش علی غیرمستقیم

در این حالت سازمان‌های بین‌المللی با سکوت و عدم واکنش نسبت به جنایات علیه بشریت که منجر به تشجیع مرتکبین می‌شود، در وقوع آنها نقش دارند. به‌عنوان نمونه در این خصوص می‌توان به نقش سازمان ملل متحد در نسل‌زدایی رواندا و فاجعه نسل‌زدایی و قتل‌عام شهر سربرنیتسا اشاره نمود. درخصوص رواندا به‌رغم گزارش‌های زیادی که نشان می‌داد حکومت موردحمایت فرانسه، یعنی هوتوها، مشغول تهیه طرح‌هایی برای نسل‌زدایی است، مجمع عمومی سازمان ملل متحد این حکومت را برای اشغال یکی از کرسی‌های شورای امنیت انتخاب کرد. فرماندهان سازمان ملل، بلافاصله در ژانویه ۱۹۹۴ اطلاعات موثقی به‌دست آوردند که نشان می‌داد افراد مزدور، هم‌زمان هوتو را برای ترور شخصیت‌های مهم توتسی و سیاستمداران و قضات میانه‌روی هوتو و درنهایت، آغاز کشتار سازمان‌یافته توتسی‌ها آموزش

می‌دهند. ژنرال‌های کانادایی که فرماندهی نیروهای کمکی سازمان ملل در رواندا را برعهده داشتند، اطلاعات دقیقی را در این باره برای کوفی عنان، رهبر نیروهای حافظ صلح سازمان ملل، ارسال کردند و کوفی عنان اصرار آنها بر مداخله نظامی را نپذیرفت. سازمان ملل در نیویورک، هنگامی از نسل‌زدایی مطلع شد که شمار کشته‌شدگان هنوز از پنج نفر تجاوز نکرده بود؛ اما اقدامی نکرد تا آنکه آمار کشته‌شدگان به بیش از هشتصد هزار نفر رسید. دادرسان دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا در خلال تحقیقات خود در زمینه نسل‌زدایی به مکاتبات محرمانه ژنرال‌های هیئت کم‌رسانی سازمان ملل متحد در رواندا با مرکز فرماندهی آنها در نیویورک دست یافتند که نشان می‌داد در صورتی که مسئولان سازمان ملل و شورای امنیت، حداقل بر اساس کنوانسیون منع نسل‌زدایی، به وظیفه خود عمل می‌کردند، چه بسا بسیاری از هشتصد نفری که جان خود را از دست دادند، زنده می‌ماندند. فاجعه سربرنیتسا نیز، یک پاکسازی نژادی منحصر به فرد که بی‌هیچ اغراقی، لرزه بر اندام انسان می‌اندازد، آشکارا در برابر دیدگان «کلاه آبی‌ها»ی سازمان ملل انجام شد و لذا از جهاتی، آنها خود در وقوع این جنایات نقش داشتند؛^{۶۰} اما در خصوص علت بی‌تفاوتی و عدم واکنش سازمان ملل متحد دلایلی مطرح شده است از جمله:

۱- ضعف و ناتوانی سازمان ملل متحد (شورای امنیت) در تصمیم‌گیری: به این معنا که

با ساختار کنونی شورای امنیت که مقدرات جهان به دست چند کشور سپرده شده و آنها از حق «وتو» برخوردار گشته‌اند، عملاً قدرت تصمیم‌گیری در شورای امنیت به شدت تضعیف شده است؛ زیرا اعضای دارنده حق وتو در این شورا معمولاً با یکدیگر تضاد منافع دارند و به‌سادگی به توافق جهت اتخاذ تصمیم عملی نمی‌رسند.^{۶۱} همان‌طور که در قضیه عراق و سوریه شاهد هستیم تضاد منافع کشورهای عضو شورای امنیت سازمان ملل یعنی آمریکا و متحدان غربی‌اش از یک طرف و روسیه و چین کمونیست هم از طرف دیگر مانع اقدام جدی سازمان ملل متحد در رسیدن به یک راه‌حل اساسی به‌منظور توقف کشتار در این کشورها شده است.

۲- عدم برخورداری از نیروی نظامی مستقل: سازمان ملل متحد از توان نظامی برای اداره

عملیات قهری برخوردار نیست. به این معنا که سازمان ملل متحد دارای نیروی نظامی

۶۰ رابرتسون، پیشین، ۱۲۱-۱۱۸.

۶۱ مهدی پیشوایی، «ریشه‌ها و ابعاد نسل‌کشی صرب‌ها در کوزوو»، مکتب اسلام ۲ (۱۳۷۸)، ۶.

مستقل نمی‌باشد.^{۶۲} در این خصوص یا دولت‌ها به‌ویژه اگر اه دارند که نیرو در اختیار سازمان ملل متحد قرار دهند (در قضیه رواندا، تنها یک کشور از مجموع شصت کشور به درخواست دبیرکل سازمان ملل متحد برای سربازان بیشتر و دو کشور از مجموع پنجاه کشور به درخواستش برای افسران پلیسی پاسخ دادند)^{۶۳} یا اینکه نیروهایی که در اختیار سازمان ملل متحد قرار می‌گیرند از کشورهای مختلف و به‌ویژه قدرت‌های بزرگ می‌باشند که این امر موجب می‌شود مدیران و نظامیان از توانایی لازم برای برنامه‌ریزی دقیق زمان مداخله برخوردار نباشند.^{۶۴}

به این ترتیب بی‌تفاوتی سازمان ملل متحد موجب تشجیع مرتکبین شده، به‌گونه‌ای که این سازمان را عاملی مؤثر در ارتکاب این جنایات، تلقی می‌نماید. در این زمینه باید گفت همان‌گونه که اشاره شد سازمان ملل متحد فاقد ساختار مؤثر و قدرتمندی است که بتواند اراده خود را در اداره مسائل مختلف جهان عملی نماید. وجود نهادی چون شورای امنیت در سازمان ملل متحد با پنج عضو دائمی دارای حق وتو که به‌نوعی سرنوشت جهان را در اختیار دارند مانع می‌شود که سازمان ملل در برخورد با جنایات علیه بشریت درجایی که توسط دولت‌های عضو هدایت می‌شود یا ارتکاب می‌یابد تصمیم مقتضی اتخاذ نماید؛ به‌گونه‌ای که این سازمان برای جلوگیری از فجایعی که توسط کشورهای قدرتمند و یا کشورهای کوچکی که توسط کشورهای قدرتمند حمایت می‌شوند، ارتکاب می‌یابند نمی‌تواند کاری از پیش ببرد. لذا آنچه می‌بایست مورد توجه و بررسی گیرد تأسیس نهادهایی مستقل از سازمان ملل در سطح معاهدات منطقه‌ای که اولاً دارای ساختار سیاسی مستقل از سیاست‌های داخلی اعضا باشد و ثانیاً دارای تمام سازوکارهای اجرایی جهت پیشبرد سیاست‌های خود اعم از نیروی نظامی، دادگاه و ... که تحت فرماندهی و اداره مستقل باشد تا بتواند در مواجهه با جنایات علیه بشریت و خشونت‌های جمعی ارتکابی در کشورهای عضو علیه مرتکبین آنها ولو اینکه سران حکومتی دولت‌های عضو باشد تصمیمات قضایی مقتضی اتخاذ کند و با توسل به قدرت اجرایی خود از جمله مداخله نظامی در جهت توقف فجایع مزبور اقدام عملی نماید. دستیابی به این هدف خیلی دشوار نیست زیرا صرفاً مستلزم توافق نظر درباره اصول و قواعد کلی است و نه سازش با قدرت‌های سیاسی که به چیزی جز منافع خود نمی‌اندیشند.

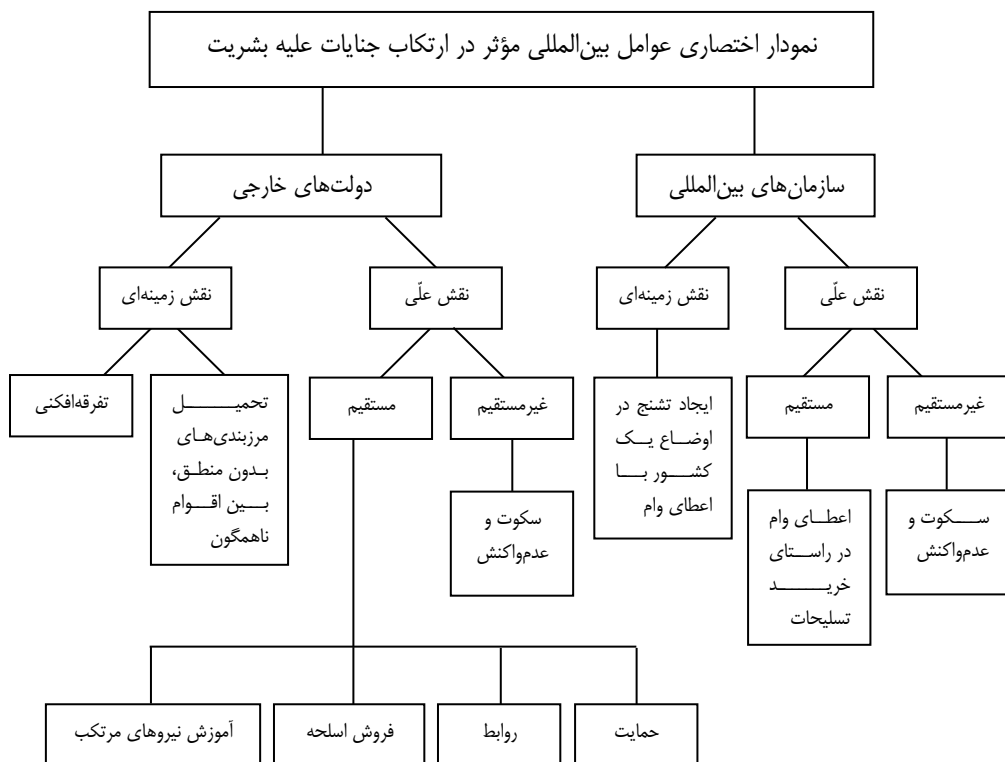
۶۲ شریفیان، پیشین، ۹۲۶.

63. Staub, op.cit. 31.

۶۴ شریفیان، پیشین، ۹۲۶.

نتیجه

جنایات علیه بشریت به‌عنوان نقض‌های فاحش حقوق بین‌الملل کیفری از جمله رویدادهای رایج در سراسر جهان می‌باشند. کامبوج، رواندا، سودان، بوسنی، آرژانتین در گذشته و سوریه، بحرین، یمن، میانمار، نیجریه و عراق در حال حاضر، تنها برخی از معروف‌ترین مناطقی هستند که این جنایات در آنها ارتکاب یافته و می‌یابد. فهم عوامل مؤثری که منجر به ارتکاب چنین جنایاتی می‌شود برای انجام پیشگیری، ضروری می‌باشد. به‌عبارت‌دیگر برای پیشگیری بهتر، تقویت آگاهی و شناخت عوامل مؤثر در ارتکاب جنایات مورد اشاره و همچنین ویژگی‌های موقعیت‌های بالقوه به‌وجودآورنده این جنایات، بسیار مهم است. در واقع، جنایات علیه بشریت نتیجه عوامل متعددی هستند که در تحقق این جنایات، نقش دارند. از عوامل بین‌المللی، دولت‌های خارجی و سازمان‌های بین‌المللی می‌باشند که گاه با انجام اقداماتی زمینه ارتکاب این جنایات را فراهم می‌نمایند و به این طریق در وقوع آنها سهیم می‌باشند و در مواردی با حمایت مثبت یا منفی، نقش برجسته‌تری ایفاء می‌نمایند. در واقع شناخت این عوامل در اتخاذ تدابیر پیشگیرانه مناسب مبتنی بر این شناخت بسیار مهم خواهد بود. هرچند به این معنا نیست که چنین جنایاتی، دیگر اتفاق نخواهند افتاد، بلکه این شناخت، ما را برای پیشگیری بهتر، مجهز و آماده می‌نماید به‌گونه‌ای که می‌توانیم موضع‌گیری بهتری برای قطع و متوقف نمودن جنایات مورد بحث داشته باشیم و این، بهترین تدبیر حفاظتی است که ما می‌توانیم در مقابل این جنایات در آینده داشته باشیم.



فهرست منابع

الف. منابع فارسی

- احمدی نوحدانی، سیروس. امنیت و دموکراسی در کنگو دموکراتیک: بررسی نقش نهادهای نظامی در برقراری صلح. چاپ اول. تهران: نشر نی، ۱۳۸۷.
- اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی.
- ایلی باگیزا، اماکولی. *ماندم تا روایت کنم (یافتن خدا در ببحوئه کشتارجمعی رواندا)*. چاپ دوم. ترجمه نادره میرمحمدعلی. تهران: انتشارات راستین، ۱۳۸۹.
- پیشوایی، مهدی. «ریشه‌ها و ابعاد نسل‌کشی صرب‌ها در کوزوو». *مکتب اسلام* ۲ (۱۳۷۸): ۷-۵.
- رابرتسون، جفری. *جنایات علیه بشریت*. چاپ سوم. ترجمه گروه پژوهشی ترجمه دانشگاه علوم اسلامی رضوی. مشهد: نشر دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۹۲.
- سردارنیا، خلیل‌الله. «عراق، استمرار خشونت و رؤیای دموکراسی: یک تحلیل چندسطحی». *مجله راهبرد* ۶۳ (۱۳۹۱): ۳۶-۷.
- سن، آمارتیا. *هویت و خشونت: توهم تقدیر*. چاپ اول. ترجمه فریدون مجلسی. تهران: انتشارات آشیان، ۱۳۸۸.
- شریفیان، جمشید. «سازمان ملل متحد و مداخله بشردوستانه». *سیاست خارجی* ۸۰ (۱۳۸۵): ۹۳۰-۹۱۳.
- فرانسیون، ژاک. «جنایات جنگ و جنایات علیه بشریت» در *حقوق بین‌الملل کیفری (گزیده مقالات ۱)*، نوشته محمدعلی اردبیلی، ۱۹۴-۱۵۵. تهران: میزان، ۱۳۸۷.
- فیوضی، رضا. *حقوق بین‌المللی کیفری*. چاپ اول. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۶.
- کیتی شیایزری، کریانگ ساک. *حقوق بین‌المللی کیفری*. چاپ اول. ترجمه بهنام یوسفیان و محمد اسماعیلی. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۳.
- گوتمان، روی. *شاهدی بر نسل‌کشی*. چاپ اول. ترجمه محمود حدادی. تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۳.
- منشور ملل متحد.
- میرجلیلی، سید حسین. «بحران هویت بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول». *مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی* ۱۰۱ و ۱۰۲ (۱۳۷۴): ۱۰۱-۹۴.
- میرمحمدصادقی، حسین. *دادگاه کیفری بین‌المللی*. چاپ هفتم. تهران: انتشارات دادگستر، ۱۳۹۳.
- ناصرزاده، هوشنگ. *اعلامیه‌های حقوق بشر*. تهران: نشر ماجد، ۱۳۷۲.
- یغماییان، بهزاد. «نقد سیاست‌های توسعه بانک جهانی». *مجله بررسی‌های بازرگانی* ۱۳۷ (۱۳۷۷): ۹۰-۹۰.

ب. منابع انگلیسی

- Anderson, Tim. *The Dirty War on Syria: Washington, Regime Change and Resistance*. California: Global Research Publishers, 2016.
- Fredrics, David, and Jessica Friedrichs. "The World Bank and Crimes of Globalization: A Case Study." *Social Justice* 29(1-2) (2002): 13-36.
- Hillan, Robert. "A Theoretical Perspective on the American Tragedy." *Social Science Research* 13 (2007): 168-184.
- Moser, Caroline, and Fiona Clark. *Gender Analysis of Genocide in Rwanda*. First Ed. London: Zed Books, 2001.
- Rothe, Dawn L, Christopher Mullins, and Kent Sandstorm. "The Rwanda's Genocide: International Finance Policies and Human Rights." *Social Justice* 35(3) (2008-09): 66-86.
- Rothe, Dawn L. "Toward a Criminology of International Criminal Law: An Integrated Theory of International Criminal Violation." *International Journal of Comparative and Applied Criminal Justice* 33(1) (2009): 1-36.
- Smeulers, Alette, and Hoex Lotte. "Studing the Microdynamics of the Rwanda Genocide." *BRIT. J. Criminal* 50 (2010): 435-454.
- Stuab, Ervin. "The Origins and Prevention of Genocide, Mass Killing, and other Collective Violence." *Journal of Peace Psychology* 5(4) (1999): 303-335.
- Valentino, Benjamin. *Final Solutions: Mass Killing and Genocide in the 20th Century*. New York: Cornell University Press, 2004.
- Waller, James. "Perpetrators of Genocide: An Explanatory Model of Extraordinary Human Evil." *Journal of Hate Studies* 1(1) (2002): 5-22.
- Waller, James. *The Ordinarity of Extraordinary Evil: The Making of Perpetrators of Genocide and Mass Killing, Collective Violence and International Criminal Justice, an Interdisciplinary Approach*. edited by Alette Smeulers. Antwerp: Oxford, Portland, 2010.

Journal of CRIMINAL LAW AND CRIMINOLOGY

VOL. VII, No. 1

2019-1

- **The European Union and International Criminal Court: Institutional Cooperation and Support**
Dr. Seyyed Ghasem Zamani & Dr. Esmaeel Yaghoubi
- **The Scope of Penal Mediation in Various Types of Crimes in Iranian Substantive Law**
Dr. Hossein Gholami & Dr. Badr Soudani Sadery
- **Punishment Mitigation in the Law of Campaign against Trafficking Goods and Currency Passed in 1392**
Ahmad Reza Koocheki & Dr. Shahram Ebrahimi
- **A Criminological Study of the Effective International Factors on Committing Crimes against Humanity**
Dr. Samira Golkhandan
- **The Consequences of Populist Penal Policy in Sexual Crimes against Children and Teenagers**
Dr. Parima Taherishad & Dr. Hooshang Shambayati
- **An Introduction to “Criminal Insurance Law” towards an “Insurance-Oriented Criminal Policy”**
Dr. Mehrdad Rayejian Asli & Naeim Saha'mi
- **Conflict or Interaction of Foreign Criminal Laws with Victim's Rights; in Light of the Principle of Mutual Recognition in EU Criminal Law**
Dr. Javad Salehi
- **Principle of Mutual Recognition of Judgements and Judicial Decisions in European Union Criminal Law with Look at Criminal Judgements and European Arrest Warrant**
Dr. Behzad Razavi Fard & Mohammad Faraji

